

# راهکارهای تربیت دینی در خانواده؛ با رویکرد مکتب عاشورای حسینی

زینب جلالی\*

رباب مطیری\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱

## چکیده

باور ما بر این است که خداوند از خلقت و آفرینش هر موجودی هدفی معین دارد. هدف از خلقت انسان نیز تکامل و رسیدن به قرب الهی است. بنابراین، باید مسیری برای انسان فراهم شده باشد تا با به کارگیری روش‌ها و راهنمایی‌های موجود در آن، به هدف خود برسد و شرایط رشد و کمال برای انسان فراهم شود. آن مسیر، همان تربیت صحیح مطابق با دستورات الهی است. خداوند با فرستادن بهترین مربیان، این مسیر را برای انسان روشن و هموار نمود. پیامبران و ائمه معصومین علیهم‌السلام، مربی و الگوهای از جانب خداوند هستند که وظیفه خود را هدایت و تربیت انسان می‌دانند و او را برای رسیدن به بهترین مقام‌ها و جایگاه‌ها آماده می‌کنند. یکی از بهترین و کامل‌ترین سیره‌های تربیتی در زندگی اهل بیت علیهم‌السلام، توجه به مکتب عاشورای حسینی است. بنابراین، انسان می‌تواند برای خودسازی و تربیت نفس، به تدریج آثار تربیتی قیام عاشورا از جمله شجاعت، عدالت، صبر، اخلاص، اجرای فریضه الهی

---

\* دانش‌آموخته مدرسه علمیه حضرت خدیجه علیها‌السلام ماهشهر / zeynaabb.j.76@gmail.com  
\*\* دانش‌آموخته مدرسه تخصصی سطح سه تفسیر علوم قرآنی / ماهشهر / abresefid.m@gmail.com

امربه معروف و نهی ازنکر و غیره را در خود ایجاد نماید تا از تأثیرات فرهنگ غربی به دور بماند. این مقاله، با رویکرد نظری و مطالعه اسنادی سامان یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** آثار، اصول، امام حسین علیه السلام، تربیت دینی، مکتب عاشورا.



## مقدمه

از ضرورت‌های زندگی هرانسانی داشتن اعتقادات باورهای الهی است که زمینه رشد انسان را فراهم می‌کند و او را در راه رسیدن به هدف خلقت کمک می‌کند. بنابراین، لازمه چنین اعتقاداتی، داشتن تربیتی مطابق با دستورات الهی است. در جامعه امروزی که فرهنگ غرب، عقاید و باورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و انسان را به سمت مادی‌گرایی سوق می‌دهد؛ این مسئله بسیار اهمیت پیدا می‌کند که روش درست زندگی کردن و تربیت صحیح به انسان معرفی شود تا از اصل وجودیت خود جدا نشود و راه زندگی حقیقی را پیدا کند. بر این اساس، شرایط جوامع امروزی این ضرورت را ایجاد می‌کند که در مقابل الگوهای غیراخلاقی که غرب به جوامع بشریت معرفی می‌کند؛ الگوهایی الهی مطابق با فطرت انسان‌ها معرفی شود؛ الگوهایی که همه زوایای زندگی انسان را در برگیرد و باعث رشد انسان در همه شرایط زندگی شود. خداوند با قراردادن الگوهایی الهی و کامل، شرایط تربیت دینی را برای انسان فراهم کرده است. از مهم‌ترین الگوهای تربیتی قیام ابا عبد الله علیه السلام است که زمینه‌ساز رشد و تربیت انسان همه مراحل زندگی است.

پژوهشگران و نویسندگان بزرگی درباره «تربیت دینی در مکتب عاشورای حسینی»، کتاب نوشته‌اند. از جمله: «کتاب پیوند دو فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس» نوشته محمد رضا سنگری در سال ۱۳۸۱، که با مقایسه ۸ سال جنگ تحمیلی با قیام عاشورا، الگوگیری رزمندگان از قیام امام حسین علیه السلام را به تصویر کشانده است. همچنین کتاب «پیام‌های عاشورا» نوشته جواد محدثی در سال



۱۳۸۳ درس‌ها و پیام‌های قیام عاشورا را از چندین جهت بررسی می‌کند (اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و...). همچنین مقالات بسیاری در این زمینه نوشته شده است. از جمله «نقش عاشورا در تربیت دینی» از علیجان کریمی در تاریخ ۱۳۸۷ که تاثیرگذاری فرهنگ عاشورا بر تربیت و زندگی انسان را بررسی می‌کند و مقاله «تربیت دینی در سیره امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا (۲)» از رضاعلی نوروزی در تاریخ ۱۳۸۸ که به عوامل مهم تربیتی در سیره امام حسین علیه السلام پرداخته است.

این اثر به زوایای مختلفی از تربیت دینی در مکتب عاشورای حسینی پرداخته است. از جمله آثار فردی و اجتماعی و اخلاقی و همچنین اهداف تربیت دینی. سؤالاتی که تحقیق در پی پاسخگویی به آن است عبارت است از: تربیت دینی در مکتب عاشورای حسینی چگونه است؟ اصول تربیت دینی چیست؟ اهداف تربیت دینی در قیام عاشورا چیست؟

## مفهوم شناسی

### ۱- تربیت

«تربیت» در لغت به معنای پروردن، پروراندن. آداب و اخلاق را به کسی آموختن است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۴۳). در اصطلاح «عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به‌طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند» (تربیت فقه؛ <https://fa.wikifeqh.ir>)

## ۲- مکتب

«مکتب» در لغت به معنای محل کتابت، جای نوشتن، مدرسه، دبستان، پیروی از نظریه‌ای در فلسفه، هنر و غیره، مجموعه معتقدات یک استاد را که شایع شده، مکتب آن استاد گویند (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۸۰۳). در اصطلاح، مجموعه‌ای است که در ابتدا به تفسیر انسان و جهان می‌پردازد و سپس بایدها و نبایدهای انسانی را مشخص و معین می‌سازد. هم‌نیاز انسان را به جهان بینی مرتفع می‌کند و هم یک نظام ارزشی برای زیستن و چگونگی زیستن ارائه می‌دهد. در واقع مکتب مجموعه جهان‌بینی و ایدئولوژی یک انسان می‌باشد (<https://rahtooshe.com>).

## تربیت دینی

انسان، موجودی است خلاق و پویا که طبعاً به دنبال موقعیت و بالندگی در زندگی خویش است. از این رو، برای شکوفا نمودن استعدادها و رسیدن به آرمان‌های خود از هیچ کوششی فروگذار نبوده و سعی می‌کند که از توانمندی‌های خود به بهترین وجه استفاده کند تا به سرمنزل مقصود برسد. تمام موفقیت‌های مادی و معنوی انسان در گرو اندیشه‌های دینی بارور، پویا و مؤثر است و همه افراد از ویژگی‌های مختلفی برخوردار هستند که باعث می‌شود آنان بتوانند مهارت‌های خود را در راه جدید به کار اندازد (اخلاقی، ۱۳۸۸، ص ۱). به طور کلی، برنامه‌ای که تقویت باورهای دینی و التزام عملی به احکام دین را در پی داشته باشد، تربیت دینی است. ساختار تربیت دینی به گونه‌ای است که روابط فرد را با خدا، با خود و با جامعه سامان داده و به صورت متعادل درمی‌آورد (کریمی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۱).





مکتب حیات بخش اسلام بهترین نوآوری را در شیوه‌ها و روش‌های تربیتی برای پیروان خود ارائه داده است (اخلاقی، ۱۳۸۸، ص ۱). در تربیت الهی هدف آموزش و هدایت آدم به سوی فلاح و رستگاری است (بدیعیان و نوروزی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۵).

نهضت عاشورا به عنوان یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های سیره عملی امام حسین علیه السلام الگوی ارزشمندی در زمینه تربیت دینی است. هدایت و رشد انسان‌ها در راستای تحقق حیات طیبه اهداف تربیتی دینی در واقعه عاشورا است که تحقق آنها زمینه‌ساز دستیابی به هدف غایی تربیت دینی؛ یعنی قرب الهی خواهد بود. به طور قطع، مهم‌ترین نقش عاشورا و قیام ابا عبدالله علیه السلام تربیت دینی در ابعاد مختلف و تقویت بنیان‌های مذهبی است (کریمی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۱).

### اهداف تربیت دینی در قیام عاشورا

کربلا جلوه‌گاه انسان کامل است. اگر هدف آفرینش انسان و وظیفه انسان کامل این است که به تعبیر امام علی علیه السلام، استعدادهای فطری را شکوفا سازد، کدام صحنه را می‌شناسیم که انسان در آن شکوفاتر، بالنده‌تر، رشد یافته‌تر و فراتراز کربلا باشد. شاید به همین دلیل است که ابا عبدالله علیه السلام در ستایش یارانش فرمود: من بهترو وفادارتر از آنان نمی‌شناسم. در تاریخ مجاهدت‌های صدر اسلام تا به امروز، فتوت و حمیت در هیچ چهره‌ای چون ابوالفضل علیه السلام جلوه ننموده است؛ اخلاق و روابط انسانی در هیچ حادثه‌ای چون روابط و الفت یاران عاشورا رخ ننموده است؛ عبادتی به شکوهمندی



شب عاشورا و جهادی به مجاهدت و پایداری و جانفشانی اصحاب حسین علیهم السلام و نمازی چون نماز ظهر عاشورا تجلی نکرده است. پس کربلا هیچ چیز «کم» ندارد؛ کلاس کاملی است برای انسان‌ها با همهٔ درس‌ها و آموزه‌های بزرگ و شگفتا این کلاس در محدودترین زمین و در کوتاه‌ترین زمان شکل گرفته است (سنگری، ۱۳۸۱، ص ۲۱). از جمله مهم‌ترین اهداف تربیتی قیام بزرگ عاشورا عبارت است از:

۱- احیای کتاب و سنت: در قیام کربلا هدف آن است که با مجاهدات عاشوراییان، دین اسلام عزت خویش را بازیابد و حرمت‌های الهی دیگر بار محترم شمرده شوند و دین خدا یاری شود (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۵). تکریم و تعظیم شعائر الهی، مایه حیات دین است (همان، ص ۲۸۱). شناخت اینکه در چه شرایطی دین در معرض زوال و نابودی یا آسیب دیدن است و باید به دفاع از دین و نصرت حق پرداخت، اهمیت خاصی دارد. سیدالشهدا علیه السلام، مرگ در راه حق و احیای آن را زندگی می‌شمرد و در این راه باکی از شهادت نداشت. مرگ برای حق، در راه حق و شهادت در این راه، عزت است و انسان را شجاعت و بی‌باکی می‌بخشد (همان، ص ۲۷۹ و ۲۸۰).

۲- معرفی الگوی تربیتی: در آسمان تمام نبردهای تاریخ و حتی تاریخ اسلام، هیچ نبردی به درخشش حماسهٔ کربلا نیست. تنها یک حادثه است که همهٔ عناصر آن از گذرگاه پالایش و صافی گذشته‌اند تا «حادثه‌ای بی‌نقص» و به معنای دقیق‌تر «حادثه‌ای اسوه» را رقم بزنند و برای همین امام عاشورا فرمودند: «وَلَكُمْ فِي أُسْوَةٍ؛ و من برای شما الگویم (همان، ص ۱۳۲). این سخن شریف بیانگر آن است که امام حسین علیه السلام خود را الگو در زمینه‌های مختلف تربیتی، به خصوص



ستیز با ظلم معرفی می‌کند، در حال که می‌دانست مخاطبانش نقض عهد کرده‌اند. بنابراین، مُسَلَّم است که این الگو بودن برای کسانی که نمی‌پذیرند، بی‌اثر است و امام در صدد معرفی الگو برای آیندگان تا از این قیام مقدس و انسانی و الهی، الگو بردارند؛ همان‌گونه که بسیاری از مسلمانان و غیرمسلمانان با الگو گرفتن از این قیام مقدس، در برابر ستم ایستادند و به عزت و سرافرازی دست یافتند (صداقت، ۱۳۹۱، ص ۴۰). عاشورا، این پیام را می‌دهد که باید از این «الگو»، که در زمینه‌هایی همچون: شجاعت، ایثار، اخلاص، مقاومت، بصیرت، ظلم‌ستیزی، دشمن‌شناسی، فداکاری، اطاعت از پیشوا، عشق به شهادت و زندگی ابدی، سرمشق است، پیروی کرد؛ چرا که ماهیت خود نهضت عاشورا، الهام گرفته از سیره اولیاء خدا و عمل پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) و امام علی علیه السلام است، و به شهادت تاریخ، خود این حادثه، مهم‌ترین الگوی مبارزات حق طلبانه بوده است (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۷).

۳- شهیدپروری: تربیت نسلی شهادت طلب و جان‌نثار، پیام عاشورا به همه مادران است. در مورد حضرت زینب علیها السلام نیز که دو پسرش عون و محمد در کربلا به شهادت رسیدند، جلوه دیگری از شهیدپروری مادران متعهد را می‌بینیم. حضرت زینب (سلام الله علیها)، هم دختر شهید بود، هم خواهر شهید، هم مادر شهید، هم عمه شهید. صبر و مقاومت او در برابر این شهادت‌ها بود که او را «قهرمان صبر» ساخت. میراث‌داری، نگهبانی از خط و خون شهدا- حتی با حجاب خویش- تبیین اهداف و آرمان‌های شهیدان، صبر بر شهادت و بلا در راه خدا، همه و همه درس‌هایی است که بانوان ما از



کربلا آموخته‌اند. پیام عاشورا به بانوان، دعوت آنان به شناخت و انجام رسالت سیاسی خویش است، و پشتیبانی از مبارزه‌ی شهیدان، تلاش اجتماعی همراه با عفاف و پاکدامنی، شهیدپروری و تربیت نسلی شهادت طلب، تبلیغ و تبیین مرام و اهداف شهیدان، صبر بر شهادت عزیزان. همچنان که تاکنون چنین بوده است، تا آخرین همین درس‌ها و پیام‌ها جاودانه خواهد ماند (همان، ص ۳۱۲ تا ۳۱۴).

### اصول دینی تربیت

فعالیت‌های تربیتی، از جمله فعالیت‌های اساسی است که در حیات فردی و جمعی انسان، تأثیری انکارناپذیر دارد. این فعالیت‌ها برای تحقق اهداف مورد نظر، تابع اصل یا اصولی هستند. مشخص کردن اصول تربیت در هر قلمرو (دینی، اجتماعی، اخلاقی، عقلانی و غیره)، از جمله اقدامات اساسی است که باید قبل از هر فعالیت تربیتی انجام پذیرد (زهره کاشانی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶).

در اینجا به چند اصل در تربیت دینی اشاره شده است:

#### ۱. خداوند حاضر و ناظر بر اعمال

تمام وصیت امام علیه السلام، اشارتی است به سوی «او» و تکلیف و وظیفه‌ای که امام نسبت به پروردگارش احساس می‌کند. این نکته بنیادین که باید به «او» بخوانیم نه به «خویش» و در همه «حال‌ها» و «قال‌ها» و «آمال‌ها» او را فراچشم و حرکت خویش داشته باشیم، محور حرکت و وصیت اباعبدالله علیه السلام است. در



حرکت‌های ظالمانه، خوش‌گذرانه، دنیاطلبانه و خودخواهانه، نشانی از این فرهنگ نیست (سنگری، ۱۳۸۱، ص ۲۷ و ۲۸). امام حسین علیه السلام در شب عاشورا نیز با خدای خویش زمزمه می‌کند: «أُثْنِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ وَأَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنُّبُوَّةِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعاً وَأَبْصَاراً وَأَفْئِدَةً وَلَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ خداوند را به بهترین ثنا، در آسانی‌ها و سختی‌ها، ستایش می‌کنم. پرودگارا! تورا سپاس که ما را به پیامبری نواختی و قرآن آموختی و آشنای دین ساختی و گوش‌های شنوا و دل‌های آگاهمان بخشیدی و از مشرکان قرارمان ندادی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۹۲؛ سنگری، ۱۳۸۱، ص).

در گودال قتلگاه در زیر بارانی از سنگ و تیر و نیزه و شمشیر نیز با آهنگی که آرامش و اطمینان در آن تموج دارد، زمزمه می‌کند: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»؛ خدایا! این همه برای تو و پاسداری از حریم دین فرستاده‌ی تو است (سنگری، ۱۳۸۱، ص ۲۸). این فرهنگ، خونی است که در رگ‌های کربلا جاری است. همه، عاشق و شیفته محبوبند؛ زبان و جان آنها جز به یاد محبوب مترنم نیست. از آغاز تا پایان این سفر بی نظیر، در صحنه‌ها، حادثه‌ها و گفت‌وگوها، بر یک هدف پا می‌فشردند؛ تنها از «خدا» سخن می‌گویند و جز رضای او نمی‌طلبند (همان). از آنچه بیان شد، به خوبی استفاده می‌شود که اعمالی در پیشگاه الهی ارزش دارد که همراه با اخلاص و رضایت الهی باشد و افرادی در نزد او منزلت دارند که در مسیر رضایت حق قدم بردارند (<https://howzah.net>).

## ۲- ثبات در ایمان، اندیشه و عمل

هنرانسان‌های بزرگ آن است که در قلمرو ذهن و عمل، توحید و یکپارچگی دارند و از بدایت تا نهایت، دوگانگی و چندگانگی و تزلزل تهدیدشان نمی‌کند. تغییر موقعیت‌ها و بروز خطرها، گاه، زانوهارا سست می‌کند، در مواضع تزلزل می‌آفریند و در حرکت کندی یا توقف ایجاد می‌کند، اما اراده‌های سترگ و بزرگ از آغاز تا فرجام پای برآرمان می‌فشارند و هیچ حادثه‌ای در اراده و راهشان خلل و سستی نمی‌آفریند. امام عاشورا پیش از حرکت به سوی عراق و کربلا با خواهش و پیشنهاد و بازدارندگی‌هایی فراوان مواجه است؛ محمد حنفیه برادرش، عبدالله مطیع بزرگ قریش، ام سلمه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ابن عباس و... هر یک به گونه‌ای می‌کوشند امام را از سفر بازدارند و با پیشنهادهایی چند، در اندیشه یافتن چاره‌ای برای انصراف اباعبدالله علیه السلام از سفر هستند. امام عاشورا، از آغاز تا پایان این راه، همواره جهت را نشان می‌دهد و قیام برای خدا و شهادت برای مکتب و رضای او را مطرح می‌کند. امام در تمام صحنه‌ها و رویدادهای این مسیر حادثه خیز و دشوار، بر همان نظر و اندیشه و راه تأکید می‌ورزد و آنگاه که غربت غروب در گودال قتلگاه افتاده است و تیغ‌ها و تیرها و نیزه‌های حریص، آخرین رمق‌ها را از او می‌ربایند نیز همان آرمان و شعار را زمزمه می‌کند. امام خمینی (ره) در وصف روز عاشورا و اصحاب اباعبدالله علیه السلام می‌فرماید:

هر چه روز عاشورا، سیدالشهداء علیه السلام به شهادت نزدیک‌تر می‌شد، برافروخته‌تر می‌شد و جوانان او مسابقه می‌کردند برای اینکه شهید بشوند؛ همه هم می‌دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهیدند. مسابقه کردند آن‌ها، برای اینکه آن‌ها می‌فهمیدند کجا می‌روند. آن‌ها می‌فهمیدند برای چه آمدند، آگاه بودند که





ما آمدیم ادای وظیفه‌ی خدایی را بکنیم، آمدیم اسلام را حفظ بکنیم (ر.ک: سنگری، ۱۳۸۱، ص ۲۵، ۲۶ و ۳۰).

### ۳- تداوم، استمرار، تکامل

بسیاری از حرکت‌ها و انقلاب‌ها و حادثه‌ها ناتمام و نیمه‌تمام باقی می‌مانند. امتیاز کربلا آن است که امام، تمام زمینه‌ها را برای تداوم و استمرار راه تدارک دیده است. رسالت و مسئولیت در کربلا تمام نمی‌شود که آنان که مانده‌اند سهم و نقشی عظیم‌تر از اصحاب پاکباز به عهده دارند؛ مسئولیت شکست صولت دروغین دشمن، رسواگری و روشنگری، تلخ کردن پیروزی کاذب در کام دشمن، ترسیم مظلومیت حق و پیروزی نهایی ایمان و خون. کوفه را آراسته بودند. هیچ‌کس تصور نمی‌کرد زنان و کودکانی اسیر که از ساحل قتلگاه گذشته و گلبرگ تن شهیدان را دیده و تشنگی و گرسنگی چشیده و تازیانه و زخم خورده، توان فریادزدن داشته باشند. اما فریاد امام تبار و بیدار، امام سجاد علیه السلام و سخنان حضرت زینب علیها السلام و ام‌کلثوم علیها السلام فضا را دگرگون کرد (همان، ص ۳۱ و ۳۲). وقتی ام‌کلثوم علیها السلام، دختر امیرالمؤمنین علی علیه السلام فریاد زد: «یا اهل الکوفه اما تستحون من الله و رسوله ان تنظروا إلى حرم النبی؟»؛ ای مردم کوفه از خدا و پیامبر شرمتان نیست که به خاندان پیامبر این‌گونه نگاه می‌کنید؟ (همان، ص ۳۲) و آن‌گاه که مردم گریستند، امام سجاد علیه السلام فرمود: «ألا ان هولاء یبکون و یتوجعون من أجلنا فن قتلنا اذن؟»؛ این مردم برای ما اشک می‌ریزند و ناله می‌کنند، پس خانواده ما را چه کسانی کشته‌اند؟ (همان، ص ۳۳) و آن‌گاه که خطبه شکوهمند حضرت زینب علیها السلام طنین انداخت، همه



چیز دگرگون شد. چه کسی باور می کرد زنی که در یک روز داغ، دو فرزند و پنج برادر شهید داده، کودکانی یتیم و تازیانه خورده و تنی بیمار را پرستاری کرده، اکنون حنجره‌ای برای فریاد و توانی برای گفتن داشته باشد؟

انقلاب کربلا در قامت زینب علیها السلام جوانه می زند، می شکفتد، می بالد و به ثمر می نشیند و شگفتا که زینب علیها السلام؛ یعنی درخت خوش منظر، خوشبو، و بالنده! حضرت زینب علیها السلام نشان داد که «خون»، بی «پیام» و «شهادت»، بی «رسالت» به فرجام خود نمی رسد. برادر، خواهر می خواهد و راهی که با «سر» آغاز می شود، با «پا» امتداد و استمرار می یابد. او با نشان دادن تصویری شکوهمند و زیبا از حادثه کربلا، به نگاه انسان سمت داد و به «باوری دیگرگونه» از «مرگ» دعوت کرد. تداوم انقلاب در خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام و سخنرانی امام سجاد علیه السلام، گویای این حقیقت است که راه نباید ناتمام بماند؛ به هر قیمتی و با هر شرایطی. انقلاب کربلا، زندگی، زاینده و فزاینده‌گی خویش و در یک کلمه «کوثر» بودن خویش را مدیون کاروان سرفراز اسیران بود (همان، ص ۳۳، ۳۴، ۳۵).

### آثار تربیتی قیام عاشورا

کربلا، زنده، زاینده و فزاینده است؛ کوثری است که می جوشد و هر عصر و نسلی به توان و تکاپو و ظرفیت خویش از آن بهره می گیرد. کربلا، بر روح‌ها، طراوت، زیبایی، سرزندگی و شیوه خوب زیستن می آموزد که حسین علیه السلام یعنی خوب، یعنی زیبا (همان، ص ۱۰). مکتب عاشورا آثار فراوانی در تربیت دینی دارد که به آنها اشاره می کنیم:

### ۱. رشد فردی

کربلا، اساسنامه ایمان، فهرست همه خوبی‌ها و فرهنگ نامه قبیله معرفت و عشق است. هیچ کس نیست که با کربلا انس و الفت بیابد و شکفتن و بالیدن و جوشش و حیات را در خود احساس نکند. کربلا، جلوه‌گاه همه زیبایی‌ها، عظمت‌ها و ارزش‌های مکتب اسلام است (همان).  
نمونه‌ای از این ارزش‌ها در رشد فردی:

- خودسازی: عاشورا، فرصت خوبی است برای تغییر دادن خود و جامعه خود، بزنگاه مناسبی است برای به خود آمدن و بیدار شدن و در مسیر حق و سلامت نفس حرکت کردن. عاشورا، فرصتی است برای حسینی شدن. معنای حسینی بودن این است که امام حسین علیه السلام خوبی‌ها و خصلت‌های والا و انسانی او را مثل احساس مسئولیت کردن در برابر جامعه، خدمت و ایثار برای مردم، فداکاری کردن، از خود گذشتن، راست گفتن، شجاع بودن، وفادار بودن، فریفته دنیا نشدن، به آخرت اندیشیدن و... در خود پیورانیم و بارور کنیم و با شمرهای درون که همه ما را تهدید می‌کنند، مثل خودخواهی، جاه‌طلبی، زیاده‌خواهی، دروغ، ریا، تظاهر، دست‌درازی به بیت‌المال، توهین به مردم، خیانت به ملک و ملت و... که همگی ریشه در دنیاگرایی و غفلت از آخرت و معاد دارد، حسین‌وار و بی‌امان و یکسره بچنگیم  
(<https://www.payam.aftab.com>).

- عبادت: وقتی امام حسین علیه السلام اشتیاق و عجله دشمن را به شروع جنگ مشاهده کرد و فهمید که گفت‌وگو و نصیحت آنان فایده چندانی ندارد. به برادرش عباس علیه السلام فرمود: «اگر می‌توانی امروز آنها را از جنگ



منصرف ساز. شاید امشب بتوانیم با خدایمان نیایش کرده و نماز بخوانیم؛ خداوند می‌داند که من [چقدر] نماز خواندن و تلاوت قرآن را دوست دارم» (سید بن طاووس، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹). اباعبدالله حسین علیه السلام برای تعالی روح، صفای کامل باطن و خلوص و حضوری عاشقانه، یاران را دعوت می‌کند تا شب عاشورا را به عبادت و نماز و استغاثه و تلاوت قرآن بگذرانند و این گروه عاشق و پاکباز، شبی بی‌بدیل می‌سازند؛ شبی که بی‌شک «شب قدر تاریخ اسلام» است (سنگری، ۱۳۸۱، ص ۱۸ و ۱۹). در روایت آمده است: «وَهُمْ دَوِيُّ كَدَوِي النَّحْلِ مَا بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ وَقَائِمٍ وَقَاعِدٍ»؛ زمزمه‌ای همچون زمزمه کندوی عسل در فضای کربلا پیچیده بود و آنان پیوسته در حال قیام و قعود و رکوع و سجود بودند (همان، ص ۱۹). راوی می‌گوید: وقت نماز ظهر که فرا رسید،

امام حسین علیه السلام به زهیر بن قین و سعید بن عبدالله حنفی امر فرمود که در مقابل آن حضرت و نیمی از یارانش که هنوز زنده بودند، بایستند تا آنها با هم نماز ظهر را (به صورت نماز خوف) بجا آورند (سید بن طاووس، ۱۳۹۱، ص ۱۴۹). سپس در آن شرایط بسیار دشوار نماز را به جماعت خواندند و این پیام عملی بود که امام حسین علیه السلام و حسینیان به مسلمانان جهان دادند که نباید در هیچ شرایطی انسان از عبادت و انجام وظیفه و توجه به خدا غافل گردد، بلکه هر قدر فشار از طرف دشمن بیشتر و مصیبت زیادتر گردد، باید توجه به خدا و عبادت زیادتر گردد (میردامادی، ۱۳۹۴، ص ۸۸).

وعده وصل چون شود نزدیک آتش عشق شعله‌ور گردد

آری، امام حسین علیه السلام نه تنها در ظهر روز عاشورا به نماز ایستاد و با این عمل درس و پیام اهتمام به امر نماز را به گوش انسان‌ها رسانید، بلکه در آخرین



لحظات عمر شریفش درحالی که روی خاک گرم کربلا افتاده بود و بدن مبارکش پراز جراحات و زخم‌ها بود و لب‌های مبارکش خشک و جگرش از تشنگی می‌سوخت، باز هم این همه مصائب حضرت را به خود مشغول نکرده بود و در همان حال، هم به مناجات با خدا و راز و نیاز با معشوق و معبود مشغول بود (میردامادی، ۱۳۹۴، ص ۸۸ و ۹۰).

- غیرت: غیرت صفتی است که داشتن آن در مکتب انسان‌ساز اسلام تأکید شده است. هر انسان مسلمان و مؤمنی باید نسبت به مذهب و عقاید و ناموس و مقدسات دینی خود غیور باشد و اجازه تجاوز به حریم مقدس آنها را به احدی ندهد و دفاع از آنها را بر خود واجب و لازم بداند (همان، ص ۱۱۱). از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يَحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ لِيَغَيِّرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا»؛ همانا خداوند غیور است و هر غیرتمندی را دوست دارد و به خاطر غیرتش فحشا و اعمال زشت اعم از ظاهر و باطن را حرام و ممنوع کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۳۵؛ میردامادی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲).

غیرت، نشانه ارزشمندی شخصیت یک انسان محسوب می‌شود. بنی هاشم، غیرتمندان روزگار خویش بودند و برای عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حرمتی فوق‌العاده قائل بودند. جوانان بنی هاشم نیز پیوسته اهل بیت امام حسین علیه السلام در طول سفر به کربلا، محافظت می‌کردند. شب‌ها نیز با حراست این جوانان، به ویژه قمر بنی هاشم علیه السلام، زنان حرم آسوده و بی‌هراس می‌خفتند (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۹۷).

در روز عاشورا، در لحظه‌های آخر، امام حسین علیه السلام جنگ ادامه داد تا



اینکه بین او و خیمه‌ها فاصله انداختند. در این هنگام آن حضرت خطاب به دشمن فریاد زد: «وای بر شما ای پیروان ابی سفیان! اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، حداقل در این دنیایان آزاده باشید و اگر همان گونه که گمان می‌کنید عرب هستید به خوی آزادگی گذشتگان بازگردید». شمر ملعون گفت: چه می‌گویی ای پسر فاطمه علیها السلام! حضرت فرمود: «می‌گویم: من با شما می‌جنگم و شما هم با من می‌جنگید؛ این مسئله به زن‌ها ارتباطی ندارد؛ پس تا من زنده‌ام نگذارید سرکشان و جاهلان و ستمگران به حریم خاندانم تجاوز کنند». شمر گفت: این خواسته‌ات را پذیرفتیم ای پسر فاطمه علیها السلام (سید بن طاووس، ۱۳۹۱، ص ۱۶۳). از غیرت او بود که در همان حال هم از کار ناجوانمردانه‌ی سپاه دشمن برآشفت و اعتراض کرد و تا زنده بود نتوانست تحمل کند که نامردان به حریم ناموس او نزدیک شوند (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۹۸). این درس را امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا به انسان‌ها آموختند و این پیام را عاشورا به جامعه‌ی بشریت داده است (میردامادی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۴).

- تسلیم و رضا: هر راهی که به خدا ختم نشود، به نفس پایان می‌پذیرد. وقتی انسان سیررحمانی نداشته باشد، مشی شیطانی خواهد داشت (سنگری، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱). از مراحل بالای عرفان و توحید، «رضا» است. «رضا» هم نشان‌دهنده‌ی اوج محبت و دلدادگی به خداوند است و هم نشانه‌ی اخلاص کمال و نداشتن هیچ انگیزه‌ای جز پسند و خواست مولی. اهل بیت علیهم السلام در مقابل خواست خدا و تقدیر او کاملاً راضی بودند و این را برای خود، کمال می‌دانستند و با پشتوانه‌ی «رضا»، هر مشکل و بلا و مصیبتی را صبورانه و عاشقانه تحمل می‌کردند (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲). تسلیم محض در مقابل اراده‌ی الهی و واگذار کردن

امور به او و از او توفیق طلبیدن را در صحبت‌های امام حسین علیه السلام، آن هنگام که به ام‌کلثوم رضی الله عنها را دل‌داری داده و فرمودند: «خواهرم دلت را به وعده الهی محکم ساز؛ زیرا اهل آسمان‌ها می‌میرند و اهل زمین هم باقی نمی‌مانند و تمام مخلوقات هلاک و نابود خواهند شد» (سیدبن طاووس، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷). خاندان آن حضرت نیز چنین بودند و پیش‌آمدهای ناگوار کربلا را به حساب خدا گذاشته به امید اجرا، آن‌ها را تحمل می‌کردند و همه را «زیبا» می‌دیدند. این کلام حضرت زینب رضی الله عنها است که وقتی در مجلس ابن‌زیاد در کوفه، والی مغرور با طعنه خطاب به آن بانوی قهرمان گفت: کار خدا را با برادر و خاندانت چگونه دیدی؟ حضرت زینب کبری رضی الله عنها پاسخ داد: «ما رأیتُ إلا جمیلاً»؛ جز زیبایی چیزی ندیدم و این سخن به شدت والی کوفه را عصبانی ساخت. کار برای رضای خدا و داشتن مرتبه‌ی «رضا»، سرمایه‌ی عظیمی است که هم وجدان انسان‌ها را همواره آرام و خرسند می‌سازد، هم امیدآفرین و حرکت‌زا است و هم ایجاد انگیزه‌ی قوی می‌کند (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵ و ۱۶۶).

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳)

- مسئولیت‌پذیری: مردم سه دسته‌اند: برخی مسئولیت‌گریز، برخی مسئولیت‌پذیر و دسته سوم هم بی‌تفاوت هستند. مهم‌ترین مسئولیت، مسئولیتی است که در قبال امام معصوم علیه السلام داریم و این بر همه مسئولیت‌ها



مقدم است. وقتی مسئله امامت و امرامام مطرح است خود و خانواده مطرح نیست. در این راه حتی چیزهای مهم‌تر از این هم باید فدا شود. از مهم‌ترین درس‌های کربلا درس مسئولیت‌پذیری است (مسئولیت‌پذیری در برابر ولی خدا مهم‌ترین درس واقعه عاشورا (Tasnimnews.com)). حس مسئولیت یعنی این که هرکس بداند در هر زمان و مکان مسئولیتش چیست، اول بشناسد، بپذیرد، بعد آن مسئولیت را ایفا کند (کربلا صحنه مسئولیت‌پذیری است. <https://blog69.kowsarblog.ir>). حضرت ابوالفضل‌العباس علیه السلام در کربلا هرگز به اینکه من فرزند امیرمؤمنان علیه السلام هستم ابراز وجود نکرد، بلکه ایشان مطیع محض امام خویش و مظهر مسئولیت‌پذیری بود. ایشان در دنیا صاحب لوا و تمام عسکرا بعبده الله الحسین علیه السلام بود و در قیامت به عنوان برگزیدگان محشر به شمار می‌رود به حدی که شهدا به منزلت و درجه ایشان غبطه می‌خورند، این مدالی است که خداوند به حضرت عباس علیه السلام عطا کرده است. مسئولیت‌پذیری از ویژگی‌های حضرت ابوالفضل علیه السلام است (همه شهدای کربلا واقف بر مسئولیت خود بودند) (<https://rasanews.ir>). کسی که ولایت‌مدار است برایش اهمیتی ندارد که ولی جامعه چه جایگاهی به او می‌دهد، حضرت عباس علیه السلام با وجود اینکه بالاترین درجه که علمداری سپاه را برعهده داشت، اما به دلیل اینکه امام جامعه به او فرمودند برو آب بیاور، سقایی را که پایین‌ترین درجه سپاه بود را بدون هیچ‌گونه مخالفتی پذیرفت. مسئولیت‌پذیری، ولایت‌مداری و وظیفه‌شناسی نسبت به امام و مردم جامعه در زندگی حضرت عباس علیه السلام به شدت موج می‌زد که موجب بزرگی شخصیت ایشان شد، و باعث شد هیچ‌گاه فریب نخورد، امان‌نامه دشمن را نپذیرفتند و ولایت را رها نکردند (ولایت‌مداری و

مسئولیت پذیری ۲ ویژگی مهم حضرت ابوالفضل علیه السلام،  
(<https://www.yic.news>).

امام حسین علیه السلام پس از شهادت مسلم بن عقیل فرمود: «خداوند مسلم را بیامرزد! که به سوی روح و ریحان الهی و زندگی جاوید در بهشت و رضوان خدا رفت. بدان که او به تکلیفش عملکرد و تکلیفی که برگردن ماست باقی مانده» (سید بن طاووس، ۱۳۹۱، ص ۹۵). در حادثه عاشورا نیز شاهد هستیم یاران امام حسین «علیه السلام» به درستی از عهده این وظیفه و مسئولیت دینی خود برآمدند و با جانفشانی و یاری امام معصوم خود با صدق و ایمان راسخ به درستی مسئولیت پذیری خود را به اثبات رساندند (<https://www.balagh.ir>). امروز لازم است مردم هریک مسئولیت خود را به درستی بشناسند؛ زیرا اگر افراد شناخت کافی نسبت به مسئولیتی که پذیرفته اند، داشته باشد همه امور درست خواهد شد ([Rasanews.ir](http://Rasanews.ir)).

### آثار تربیت دینی در جامعه

جامعه ای نیز که با فرهنگ عاشورا پیوند و آشنایی بیابد، سرشار پویایی، زبایی و توانایی خواهد شد. به همین دلیل، کربلا، بهترین پایگاه الهام برای حرکت و خیزش و قیام است و آنان که معرفت عاشورایی یافته اند، انسان هایی اند که حریت، عزت، جوانمردی، پاکبازی، اخوت، صمیمیت، عرفان، ایمان و شهادت، درون مایه زیستن و قانون زندگی و جهت گیری هایشان خواهد شد (سنگری، ۱۳۸۱، ص ۱۰). به مواردی از وظایف دینی در جامعه اشاره می کنیم:

## ۱- امریه معروف و نهی ازمنکر

ایستادن در مقابل تباهی‌ها، زدودن زنگارهای گناه و فساد، گسترش نیکی و پاکی و درستی و اصلاح و سازندگی، مسئولیتی همگانی است. مگر می‌توان باورمند حق بود و در مقابل کج‌روی‌ها و انحرافات ساکت و خاموش نشست؟ طرح ارزش‌ها و نفی و طرد ضدا ارزش‌ها از مصادیق امریه معروف و نهی ازمنکر است. امام عاشورا، یکی از اهداف قیام خود را امریه معروف و نهی ازمنکر و اصلاح امت معرفی کرده است (همان، ص ۹۸ و ۹۷): «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّی، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرُ بِسِيْرَةِ جَدِّی وَأَبِي»؛ من برای جاه طلبی و کام‌جویی و آشوبگری و ستمگری قیام نکردم، بلکه برای اصلاح در کار امت جدم قیام کردم می‌خواهم امریه معروف و نهی ازمنکر و به شیوه جد و پدرم حرکت کنم (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛ سنگری، ۱۳۸۱، ص ۹۸).

وجود مقدس حسین بن علی علیه السلام [در این نهضت عملاً یک امریه معروف و ناهی ازمنکر بود] و از او بیشتر، بعد از شهادت اباعبدالله علیه السلام اهل بیت بزرگوار آن حضرت، از بعد از عاشورا، از همان روز یازدهم و حداقل از روز دوازدهم به عنوان یک گروه امریه معروف و نهی ازمنکر درآمدند و تا پایان این ماجرا هر جا که بودند امریه معروف و نهی ازمنکر کردند. آنها هرگز به صورت یک جمعیت شکست خورده درنیامدند. کشته شدن اباعبدالله علیه السلام، از یک نظر برای آنها آغاز کار بود نه پایان کار. تا آخرین لحظه تبلیغ کردند، نهی ازمنکر و امریه معروف کردند، دعوت به اسلام کردند (مطهری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۲).

نمونه اش وقتی اُسرائ وارد مجلس ابن زیاد شدند، ابن زیاد با کینه و زخم‌زبان





رو به حضرت زینب علیها السلام گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَكَذَّبَ أَحَدُوتِكُمْ»؛ خدا را شکر می‌کنم که شما را رسوا و دروغتان را آشکار کرد. حضرت زینب علیها السلام در کمال جرئت و شهامت گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِالشَّهَادَةِ»؛ خدا را شکر می‌کنیم که افتخار شهادت را نصیب ما کرد. خدا را شکر می‌کنم که این تاج افتخار را بر سر برادر من گذاشت. خدا را شکر می‌کنیم که ما را از خاندان نبوت و طهارت قرار داد. بعد در آخر گفت: «إِنَّمَا يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَيَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَهُوَ غَيْرُنَا»؛ رسوایی مال فاسق هاست (ما در عمرمان دروغ نگفتیم و حادثه دروغ هم به وجود نیاوردیم)، دروغ مال فاجرهاست. فاجر و فاسق هم ما نیستیم، غیر ماست، یعنی تو. رسوا تویی، دروغگو هم خودت هستی. این مقدار شهامت و شجاعت و ایمان عملی! این، امر به معروف و نهی از منکر است. پس در نهضت حسینی، عنصر امر به معروف و نهی از منکر را از این وجهه و جهت هم باید در نظر گرفت که این نهضت یک نهضت امر به معروف و نهی از منکر بود (همان، ص ۲۸۴ و ۲۸۵).

## ۲- عدالت

عدالت، فرمان خدا و رسول است و دامنه آن همه امور زندگی را در بر می‌گیرد، حتی رفتار عادلانه میان فرزندان را. از بارزترین مفاسد حکومت اموی، ظلم به مردم و نادیده گرفتن حقوق آنان بود و از بارزترین محورهای قیام عاشورا نیز عدالت خواهی و ستم ستیزی بود. در زیارت اباعبدالله حسین علیه السلام می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا»؛ شهادت می‌دهم که توبه قسط و عدل دستور دادی و به این دعوت کردی (محدثی،

۱۳۸۳، ص ۲۲۴ و ۲۲۵).

عدالت به معنای برخورداری همه از حقوق اسلامی و انسانی و رعایت یکسان حق میان همه و همه را به یک چشم دیدن نیز در نهضت عاشورا متجلی است. امام حسین علیه السلام روز عاشورا بر بالین همه شهیدان حاضر شد، چه جوان خودش و چه غلامش، چه مولی و چه نوکر؛ همه از عنایت آن حضرت برخوردار شدند (همان، ص ۲۲۶).

یکسان رخ غلام و پسر بوسه داد و گفت

در دین ما سیه نکند فرق ب اسفید (<https://emam8.com>)

پیام عاشورا، دعوت از انسان‌ها برای تلاش در راه اقامه عدل و قسط است که بدون حیات اجتماعی مبتنی بر عدل، همه ارزش‌ها تباه می‌شود و زمینه مرگ دستوره‌های دینی و آیین الهی فراهم می‌آید (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۷).

### جلوه‌های اخلاقی قیام عاشورا در تربیت دینی

یکی از مهم‌ترین، آثار قیام عاشورا تربیت شدن و اخلاقی زیستن انسان‌هاست. به‌راستی که کربلا دانش‌سرای مکتب اولاد آدم است و هر لحظه آن، درس‌ها و آثار تربیتی و اخلاقی فراوانی دارد و تا قیامت، این مکتب، راهنمای انسان‌ها خواهد بود؛ چون حسین علیه السلام انسان‌ها را به سوی انسانی زیستن، نجات، تربیت شدن و اخلاق نیک فرامی‌خواند و مکتب سرخ و حیات بخش عاشورا، بهترین سرمشق برای همگان به خصوص شیعیان است (صداقت، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

در ادامه به نمونه‌هایی از جلوه‌های اخلاقی اشاره می‌کنیم:



## ۱- اخلاص

اخلاص یعنی خالص کردن نیت از شائبه‌ها، این همان چیزی است که در همه شئون زندگی از ما خواسته شده و وجود آن باعث رسیدن به رستگاری ابدی و نبودنش موجب خسران خواهد بود (همان، ص ۱۴۹). امام حسین علیه السلام الگوی اخلاص است؛ چه قبل از حرکت و چه بعد از آن؛ زیرا وقتی آن حضرت به سوی کربلا حرکت کرد و به عرفات رسید، در دعای معروف خویش (عرفه) با خداوند چنین مناجات می‌کند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَائِي فِي نَفْسِي، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ التَّوَرُّفَ فِي بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي»؛ خدایا بی نیازی در وجودم، یقین در دلم، اخلاص در عملم و روشنی در چشمم و آگاهی در دینم ایجاد کن. در این فراز، یکی از خواسته‌های امام حسین علیه السلام اخلاص در عمل است. پس از عرفه نیز اخلاص در واقعه عاشورا موج می‌زند؛ به طوری که در شب عاشورا برای راز و نیاز با خدا فرصت می‌گیرند تا در دل شب، خالصانه با خدای شان راز و نیاز کنند (همان، ص ۱۵۰). هیچ حادثه‌ای در تاریخ اسلام صفا و پاکی و پالایش کربلا را ندارد. به گواهی تاریخ، در تمام جنگ‌های صدر اسلام، اندک ناخالصی و گناه نقطه‌های تاریکی از نفاق، دنیاخواهی و خودخواهی را می‌توان یافت اما کربلا چیز دیگر است؛ آنانی که عاشورا ماندند و عارفانه جان باختند، از هر تردید، تزلزل، دودلی و سستی رها بودند. اباعبدالله علیه السلام آنان را از صافی‌ها گذرانده بود؛ راه را برای برگشتن گشوده و بیعت را از دوش همگان برداشته بود تا هر کس سر «دیگری» دارد، سر خود گیرد و از کربلا بیرون رود تا حادثه‌ای پاک و بی‌غبار، الگویی بی‌نقص و کامل و نمونه‌ای بی‌خدشه به انسان عرضه کند. این پالایش و تصفیه و گزینش در



طول جریان کربلا بارها اتفاق می‌افتد اباعبدالله علیه السلام، خود، می‌داند که انقلاب او، باید گزیده‌ترین و ناب‌ترین انقلاب باشد (سنگری، ۱۳۸۱، ص ۱۵ و ۱۶). چون انگیزه‌ی اخلاص، حرکت‌آفرین عاشورا بود، هیچ عاملی نتوانست امام حسین علیه السلام و یارانش را از ادامه‌ی راه تا رسیدن به شهادت باز دارد.

در این حرکت خالصانه، ناخالصان چه از اول و چه در مسیر راه کربلا، تصفیه شدند تا حاضران در عاشورا، همه یکدست و خالص باشند. درس عاشورا این است که هدف و انگیزه را در هر عملی خالص سازیم و بدانیم که از دیدگاه خدا، عمل خالص محو و نابود نمی‌شود. همچنان که نهضت عاشورا با گذشت زمان نه تنها کهنه و فراموش نشد، که روز به روز بر جلوه و جاذبه‌ی آن افزوده گشت و این به برکت «عنصر خلوص» بود (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳-۱۷۴).

## ۲- صبر و استقامت

برای مقابله با فشارهای درونی و بیرونی و غلبه بر مشکلات در راه رسیدن به هدف، پایداری و استقامت لازم است. بدون صبر، در هیچ کاری نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید (همان، ص ۷۷). صبوری میوه‌ای است که از شاخسار ایمان چیده می‌شود. سست‌پایان میدان گریز کسانی هستند که یا اسیر و دل‌بسته‌اند و دلواپس از دست دادن داشته‌ها، یا اعتقاد به لطف و عنایت پروردگار ندارند. ایمان ژرف، همه‌گاه و همه‌جا شکیب و صبر را در قلب و جان، گرم و روشن نگه می‌دارد. کربلا میعادگاه سربازان و سرداران صبور و پایگاه پایداری‌ترین و استوارترین انسان‌هاست. آنان که در نهایت عطش در داغ‌ترین روز در صفیر تیرها و چکاک شمشیرها، در تحقیر و تهدید و تمسخر و محاصره و



شماقت و شقاوت، جز صلابت و صبر و صولت هیچ ندارند. ناباوران سختی و درد را تاب نمی‌آورند و در خطر و آفت می‌گریزند. سست باوران سپاه عمر سعد، در حمله‌ی یاران می‌گریختند و در هم می‌ریختند و یاران اباعبدالله علیه السلام یک تنه به قلب دشمن می‌زدند و حتی پس از زخم‌های فراوان می‌جنگیدند. امام در یارانش تجلی کرده بود؛ آنان نیز محتسب صابر بودند و متناسب با درجات و کمالات خویش، صبور صحنه‌های هولناک و اراده‌شکن. پس از کربلا نیز آئینه‌ی صبوری کربلاست؛ زینب رضی الله عنها صبرآموز مکتب حسینی است و پیامبر نهضت عاشورا. صبوری او در آن همه واقعه تلخ و جگرگداز، نمایاننده و بازتاب صبوری کربلاست و کدام حادثه را می‌شناسیم که این همه ایستادگی و پایداری در آن بتوان یافت؟ (سنگری، ۱۳۹۱، ص ۲۵ تا ۲۸).

### ۳- شجاعت

شجاعت، فضیلت است و هرچه عرصه‌ی عمل سخت‌تر و تنگ‌تر و خطر خیزتر، ارزش شجاعت نیز افزون‌تر است. آن که در جایگاهی می‌ایستد که شقاوت پیش‌تر و خون‌خوارترین دشمنان ایستاده‌اند و مرگ، تشنگی، گرسنگی، غارت و اسارت بازماندگان نهایت قابل‌تصور صحنه است، ممکن است انگیزه‌های رنگ‌بازند، در اراده‌اش سستی و فتور ایجاد شود و گریزگاه و روزنه‌ای برای مسالمت و سازش بجوید. در کربلا شجاعت تنها در رویارویی با شمشیرها نیست؛ شجاعت بیان اعتقادات، شجاعت‌های اخلاقی و شجاعت در تصمیم‌گیری در کنار رزمندگی چشمگیر و بارز است. رجز



خواندن در میدانی که هلله و خنده، تمسخر و شماتت‌های وقیحانه، آذرخش شمشیرها و نیزه‌ها، شیهه اسبان و بارش یکریز آفتاب، امان و توان از انسان می‌گیرد کاری شجاعانه و دلورانه است. اگر این رجزخوان، کودک یا نوجوان باشد و رجز او پشتوانه‌ای از تفکر و اندیشه و بصیرت داشته باشد شگفت‌آورتر و شکوهمندتر است و مگر نوجوان کربلا، عمرو بن جناده، در یازده یا دوازده سالگی چنین رجز نخواند (همان، ص ۲۸):

امیری حسین و نعم الامیر سُورور فُواد البشیر النذیر (همان، ص ۲۹)  
 با توجه به اینکه مایه شهادت و شجاعت، در متن قیام عاشورا و در عمل و گفتار شهدای کربلا موج می‌زند، سزاوار است که این محتوا برای مردم به ویژه جوانان بیشتر تشریح شود، تا علاوه بر اشکی که بر مظلومیت شهدای کربلا و شهادت حسین بن علی علیه السلام می‌ریزند، از شجاعت آنان نیز درس بگیرند. یادآوری شجاعت روحی حضرت زینب رضی الله عنها در مواجهه با مشکلات و آن همه داغ و شهادت و نیز خطابه‌های آتشین او در کوفه و دمشق در مقابل جباران زمان، بانوان ما را نیز شجاع و دلیر بار می‌آورد (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۷۷).

#### ۴- تعهد به پیمان

وفا، پایبندی به عهد و پیمانی است که با کسی می‌بندیم. نشانه صداقت و ایمان انسان و مردانگی و فتوت اوست. وفا، هم نسبت به پیمان‌هایی است که با خدا می‌بندیم، هم آنچه با دوستان قول و قرار می‌گذاریم، هم عهدی که با دشمن می‌بندیم، هم تعهدی که به صورت نذر به عهده خویش می‌گذاریم، هم پیمان و بیعتی که با امام و ولی امر می‌بندیم. وفای به عهد در همه این موارد،



واجب است و نقض عهد و زیرپا گذاشتن خصلت هاست (همان، ص ۱۱۱). خداوند وفای به عهد را لازم شمرده است و از عهد، بازخواست خواهد کرد: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»؛ و به عهد و پیمان وفا کنید، زیرا درباره پیمان بازخواست خواهد شد (اسرا: ۳۴؛ محدثی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱).

بنابراین، وقتی به صحنۀ عاشورا می‌نگریم، در یک طرف مظاهر برجسته‌ای از وفا را می‌بینیم و در سوی دیگر، نمونه‌های زشتی از عهدشکنی و بی‌وفایی و نقض پیمان و بیعت و زیرپا گذاشتن تعهدات را. از نقاط ضعفی که امام حسین علیه السلام برای معاویه برمی‌شمرد، آن است که وی هیچ یک از تعهداتی که نسبت به امام حسن مجتبی علیه السلام و سید شهدا علیهم السلام داشته است، وفا نکرد. از نقاط ضعف مهم کوفیان نیز بی‌وفایی بود، چه بیعتی که با مسلم بن عقیل کردند و قول یاری دادند و تنهایش گذاشتند، چه نامه‌هایی که به امام حسین علیه السلام نوشته، وعده نصرت و یاری دادند، ولی در وقت لازم، نه تنها به یاری امام برخاستند، بلکه در صف دشمنان او قرار گرفتند و آن نامه‌ها و عهدها و امضاهای خود را زیرپا گذاشتند. در مقابل این عذر و بی‌وفایی، خود امام حسین علیه السلام اهل وفا بود، یارانش تا پای جان وفاداری نشان دادند و به بیعت و تعهد نصرتی که با امام خویش بسته بودند، پایدار ماندند (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳-۱۱۱). به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود: روز عاشورا، وقتی امام حسین علیه السلام بر بالین مسلم بن عوسجه می‌آید، این آیه را می‌خواند: «فَمِنْهُمْ مَن قَصَىٰ نَجْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»؛ برخی از آنان پیمانشان را به انجام رساندند و برخی از آنان انتظار می‌برند و هیچ تغییر و تبدیلی [در پیمانشان] نداده‌اند (احزاب / ۲۳؛ محدثی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳). یاران امام، با آنکه امام بیعت



خویش را از آنان برداشت، ولی به مقتضای وفا، در صحنه ماندند و عهد نشکستند. شهدای کربلا جان بازی در رکاب آن حضرت را وفای به عهد می دانستند و امضای خون برپیمان خویش می زدند (محدثی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴).

### نتیجه گیری

مقاله حاضر تحت عنوان «تربیت دینی در مکتب عاشورای حسینی» به نگارش درآمده است. هدف از تربیت دینی قرارگرفتن در مسیر درست الهی و رشد است. امام حسین علیه السلام تمام مراحل را که انسان برای تربیت خود و دیگران لازم دارد را به صورت تدریجی ارائه می دهد؛ ایشان برای همه انسان ها با هر دیدگاه، اعتقاد و تفکری، روش های تربیتی متفاوتی دارد؛ همه افراد پیرو خود را به نهایت رشد و کمال می رساند و بهترین ویژگی های اخلاقی را که یک انسان برای رسیدن به قرب الهی نیاز دارد، را بیان می کند. نتیجه این نوع رفتار و روش تربیتی را می توان در اطرافیان و اصحاب ایشان مشاهده کرد؛ و ایشان را به عنوان بهترین الگو در همه زمینه های فردی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و... قرار داد. در این مقاله سعی شده به نکات مهمی که در سیره امام حسین علیه السلام برای خودسازی و تربیت نفس ضروری است، بیان شود مانند؛ (عدالت، شجاعت، امر به معروف و نهی از منکر، غیرت و...) تا با به کارگیری آنها انسان، زندگی سالم و روبه رشدی داشته باشد و از تأثیرات فرهنگ غرب که بر جوامع اسلامی حاکم شده است، به دور باشد.

بنابراین، با توجه به هجوم های فرهنگ غربی با استفاده از ابزارهای مختلف همچون رسانه ها و فضاهای مجازی که در اختیار کاربران جهانی قرار داده شده تا



بتوانند اندیشه‌های باطل و در راستای آن به انکار حقایق اسلامی و دینی پردازند لازم دانسته شد در این قسمت به پیشنهادهای اشاره کنیم که عبارت‌اند از:

الف) در مسائل تربیتی و آموزشی لازم است علمی کاربردی و فنی در سطح جامعه با توجه به مبانی اسلامی و مکتب اسلامی ارائه شود.

ب) در عرصه نظام تعلیم و تربیت لازم است به مسائل کمی و کیفی افراد در عرصه علم‌آموزی توجه بیشتری شود که در این قدم صبر، استقامت، شجاعت، توکل به خداوند متعال و غیره از آثار تربیتی خاصی است که افراد می‌توانند آن را در خود ایجاد نمایند تا به پیشرفت و رستگاری توأم با امید دست پیدا کنند.

ج) خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی و جایگاه آن در رشد فردی و اجتماعی افراد مورد سنجش و توجه قرار گیرد.

د) شناخت ارزش‌ها، استعدادها و توانایی افراد مخصوصاً در مراکز تعلیم و تربیت از اموری است که لازم است توسط کارشناسان با تشکیل مؤسسه استعدادیابی آن هم با در نظر گرفتن مبانی اسلامی و اعتقادی و دینی.

ه) تلاش در عرصه جهاد تبیین با استفاده از ابزارهایی همچون فضاهای مجازی، رسانه‌ها با ارائه محتواهای اسلامی با توجه به مکتب و سیره

اهل بیت علیهم‌السلام.

## منابع

### قرآن کریم

۱. اخلاقی، اسماعیل، ۱۳۸۸، تربیت دینی در عصر مدرن، پگاه حوزه، شماره ۲۵۸،
۲. بدیعیان، راضیه، علی نوروزی، رضا، ۱۳۸۸، تربیت دینی در سیره امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا (۲)، دندانی پزشکی جامعه اسلامی دندانی‌شنکان، ش ۴، ص ۲۴۰-۲۳۵
۳. زهره کاشانی، علی اکبر، ۱۳۸۸، اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۲، ص ۲۰۲-۱۶۹
۴. سنگری، محمدرضا، ۱۳۹۱، آئینه داران آفتاب، پژوهش و نگارش نواز زندگی و شهادت یاران اباعبدالله حسین علیه السلام، چ پنجم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل
۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۱، پیوند دو فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس، قم: انتشارات یاقوت، پژوهش‌سکده تحقیقات اسلامی
۶. سید بن طاووس، ۱۳۹۱، لُهوف، متن کامل و عربی همراه با قیام مختار ثقفی، (ترجمه محمد اسکندری، قم: پور صائب.
۷. صداقت، محمد عارف، ۱۳۹۱، آثار تربیتی و جلوه‌های اخلاقی قیام عاشورا، قم: مرکز بین‌الملل ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
۸. کریمی، علیجان، ۱۳۸۷، نقش عاشورا در تربیت دینی، ره توشه، ش ۸۲، ص ۲۹۱-۳۰۴
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، ج ۵، (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، ج ۴۴، چ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.





۱۱. محدثی، جواد، ۱۳۸۳، پیام‌های عاشورا، چ پنجم، قم: فراز اندیشه.
۱۲. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین فارسی، چ چهارم، تهران: ادنا.
۱۳. مطهری، مرتضی، بی‌تا، حماسه حسینی، ج ۱، چ سی‌ام، تهران: صدرا.
۱۴. میردامادی، باقر، ۱۳۹۴، پیام عاشورا، تهران: اندیشه مولانا.
۱۵. همه شهدای کربلا واقف بر مسئولیت خود بودند. <https://rasanews.ir>
۱۶. ولایت‌مداری و مسئولیت‌پذیری دو ویژگی مهم حضرت ابوالفضل علیه السلام، <https://www.yjc.news>
۱۷. امام حسین علیه السلام، اخلاص و خدامحوری، <https://hewzah.net>
۱۸. امام حسین علیه السلام و امر به معروف میدان. <https://hawzah.net>
۱۹. آشنایی اجمالی با مفهوم مکتب (مرتبط با فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی)، <https://rahtooshe.com>
۲۰. مسئولیت‌پذیری در برابر ولی خدا مهم‌ترین درس واقعه عاشورا، [Tasnimnews.com](https://Tasnimnews.com)
۲۱. عاشورا فرصتی برای خودسازی و جامعه‌سازی، <https://www.payam.aftab.com>
۲۲. فرهنگ عاشورایی در نگاه عقل و دین - پایگاه خبری رسمی بلاغ، <https://www.balagh.ir>
۲۳. کربلا صحنه مسئولیت‌پذیری است، <https://blog69.kowsarblog.ir>
۲۴. شعر مناجات امام حسین علیه السلام (نازم حسین را که چو در خون خود تپید) - امام هشت، <https://emam8.com>
۲۵. <https://fa.wikifeqh.ir>
۲۶. سخنان امام حسین علیه السلام در شب <https://www.khabaronline.ir>

عاشورا -